

عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران (مطالعه موردی کلانشهر تهران)

روح الله غلامی^۱

محسن سیفی کفشگری^۲

نجفعلی شهبازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۹/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال پنجم / شماره بیستم - پاییز ۱۳۹۲

چکیده

سالیان گذشته با رشد شتابان شهرنشینی بسیاری از مردم به علت نارسایی شیوه‌های تولید در روستاها و شهرهای کوچک، به شهرها و کلان‌شهرها مهاجرت کردند. این فرایند شیوه جدیدی از زندگی شهری را که عموماً با تراکم بیش از حد جمعیت، تعارض فرهنگی، بی‌ثباتی اجتماعی، بیکاری، مشاغل کاذب، خشونت، جرم، آمادگی برای آشوب و... همراه بود، در حاشیه بسیاری از شهرهای بزرگ فراهم آورد. رشد شتابان مهاجرت سبب شد ترکیب جمعیتی شهرها و استان‌های بزرگ حالت طبیعی خود را از دست دهد و شهرهای حاشیه‌ای به وجود آید.

در این پژوهش عوامل مؤثر حاشیه‌نشینی در ایران با تأکید بر دلایل شکل‌گیری و گسترش شهرهای حاشیه‌ای نزدیک کلان‌شهر تهران، شناسایی و مدل‌سازی شده است. علاوه بر بررسی و توصیف آماری، با استفاده از مدل ریاضی اقتصادسنجی لاجیت - پروبیت این نتیجه حاصل شد که مهاجرت، درآمد پایین مهاجران، اندازه خانواده آنها، گرانی غیرمتعارف زمین شهری در تهران و در نهایت وجود اعضای بیکار در خانواده سبب ظهور و رشد سریع حاشیه‌نشینی شهری در این کلانشهر شده است.

واژگان کلیدی

حاشیه‌نشینی، فقر، جرم، امنیت، کلانشهر تهران

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه جامع امام حسین(ع)
۲. مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصادی
۳. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۱. مقدمه

یکی از پدیده‌هایی که عموماً در شهرهای کشورهای کمتر توسعه‌یافته دیده می‌شود حاشیه‌نشینی است. در این کشورها مهاجرت به کلان‌شهرها به سرعت انجام می‌گیرد و مهاجرین عموماً به دلیل نارسایی شیوه‌های تولید محل سکونت خود (روستا یا شهرهای کوچک) و بازده پایین، آن به شهرها به خصوص کلان‌شهرها کوچ می‌کنند. به همین علت اغلب آنها فاقد مهارت و عموماً دارای خانواده‌هایی با سطح درآمد پایین هستند که در آن اعضای بیکار و سرگردان مشاهده می‌شود. این مسئله از نظر دولت‌ها مشکلی اجتماعی و چالشی امنیتی به حساب می‌آید (رئیس دانا، ۱۳۸۳). در واقع فضای زندگی در حاشیه شهرها بازتاب فضای بیمارگونه اقتصاد، مدیریت و برنامه‌ریزی نادرست منطقه‌ای و معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی - استانی و محلی است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲). امروزه صنعتی شدن و شهرنشینی را می‌توان مترادف متمدن شدن و توسعه دانست؛ زیرا وضعیت جامعه فعلی بشر از منظر دستاوردهای عظیم آن با جامعه ماقبل صنعتی که انسان‌ها با فقر و بیماری، بی‌سوادی، غارت، کشتار و ظلم دست به گریبان بودند، قابل قیاس نیست. ساماندهی جامعه نوین و نیز توسعه فزاینده آن چنان پیچیدگی‌هایی به وجود می‌آورد که در اغلب موارد به درماندگی ختم می‌شود و امروزه آنها را با واژه «بحران» می‌شناسیم که می‌توان به بحران تروریسم، بحران محیط زیست، بحران فقر و در نهایت بحران حاشیه‌نشینی شهری و... اشاره کرد. براساس برآوردهای سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در حاشیه‌های شهری یا به صورت اسکان غیررسمی زندگی می‌کنند. در نتیجه با توجه به اینکه امروزه حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند، شهرنشینی به بستر انواع تضادها و تعارض‌های اجتماعی و محل تمرکز ثروت و انباشت فقر تبدیل شده است. بنابراین در این پژوهش سعی شده است این بحران جوامع شهری با تمرکز بر کلان‌شهر تهران بررسی شود.

- مفهوم حاشیه‌نشینی

صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند. برخی آن را تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته‌اند و عده‌ای نیز حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه



شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند. اکثر این افراد مهاجرینی روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. حاشیه‌نشینان عموماً در سکونت‌گاه‌های غیر متعارف با ساکنان بافت اصلی زندگی می‌کنند. گروه‌های یادشده بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه - مانند فقر و بیکاری - و کمتر عوامل جاذب شهری از زادگاه خود - روستا، ایل یا شهر - رانده شده و به شهرها روی آورده‌اند. از آنجا که اکثریت این گروه‌ها کم‌سواد یا کم مهارت‌اند توانایی یا فرصت لازم را برای جذب در بازار کار ندارند؛ بنابراین از شهر رانده و به حاشیه کشیده شده‌اند. می‌توان گفت حاشیه‌نشین کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی- اقتصادی شهر نشده‌اند. حومه‌نشینی، تمرکززدایی و واگرایی جمعیت از شهر و مکان‌گزینی آنها در آبادی‌های پیرامون به دلایل متعددی مانند افزایش قیمت زمین و مسکن، افزایش اجاره مسکن، افزایش بهای خدمات، افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی و... است؛ از این رو حومه‌نشینی قبل و بیش از هر تعبیری دارای مفهوم و بعد مکانی است. علت تلقی عدم جذب او در نظام اجتماعی- اقتصادی شهر، یکی شکل ممکن اوست و دیگر اینکه شیوه زندگی او با شیوه زندگی سایر افراد معمولی ساکن شهر که همان درآمد را دارند، بسیار متفاوت است و در قالب رفتارهای اجتماعی متعارف شهری نیست.

- حاشیه‌نشینی در ایران

ایران به عنوان شانزدهمین کشور پرجمعیت دنیا، طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰، ۳/۶ برابر افزایش جمعیت داشته که این رشد در جهان کمتر از ۲/۳ برابر بوده است. نکته قابل توجه در این میان رشد بیش از ۷ برابری جمعیت شهری ایران است. جدا از شهرهای بزرگ کشور، به طور خاص کلانشهر تهران با پدیده جدیدی طی سال‌های گذشته مواجه بوده و آن افزایش چشم‌گیر جمعیت روستایی این کلانشهر با نرخ رشدی بیش از ۷/۵ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵). مهاجران به مناطق روستایی کلانشهر تهران از شهرها به روستاهای اطراف تهران رانده شده‌اند؛ زیرا گرانی غیرمتعارف زمین شهری در کلان‌شهرهای ایران به خصوص تهران، راهی جز ظهور قارچ‌گونه و شتابان حاشیه‌نشینی شهری باقی نگذاشته است. امروز نزدیک ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کنند. می‌توان گفت قریب ۵۰ سال پیش، فقر روستایی فقر غالب در ایران بود، ولی امروزه فقر شهری چالش مدیریت شهرها و برنامه‌های توسعه ملی به حساب می‌آید.

در مطالعات مسائل شهری ایران شروع حرکت‌های مهاجرتی و آغاز توسعه شهرنشینی تقریباً در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شکل گرفت، زیرا پیش از آن اقتصاد شهر و روستا به طور نسبی دارای توازن بود (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۱). تشکیل ارتش، سرکوب خان‌های بزرگ، برقراری امنیت سراسری، احداث خطوط راه آهن، ایجاد راه‌ها و... از جمله عواملی بود که سبب تسهیل مسافرت و حمل و نقل شد و به دنبال آن افزایش میزان مهاجرت و حرکت روستاییان به شهرها شکل گرفت؛ به گونه‌ای که حرکت روستاییان از ۰/۰۸ در سال ۱۳۰۰ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۲۰ رسید. روند مهاجرت به شهرها پس از دهه ۱۳۳۰ به واسطه صنعتی شدن شهرها و امکان بازده فزاینده تولید، افزایش بهره‌وری و در نهایت کسب درآمد بیشتر رخ داد. این روند تا آغاز انقلاب اسلامی ادامه یافت و در سال‌های نخستین پس از انقلاب، جمعیت ایران به بیش از ۳۷ میلیون نفر رسید. هم‌چنین میزان مهاجرت روستایی همگام با آن یک درصد افزایش یافت. در این مقطع، جنگ مهم‌ترین عامل مهاجرت در مناطق درگیر با آن به حساب می‌آمد. مهاجرت مردم سایر نقاط کشور نیز در آن زمان عموماً به دلیل فرسودگی شیوه و بازده پایین تولیدات بر اثر بی‌توجهی دولت و درگیر بودن آن با مسائل مهم‌تری چون بحران جنگ بود. به طور هم‌زمان، افزایش قیمت زمین، مصالح ساختمانی، وام‌های با بهره فراوان و اجاره‌های سنگین سبب شد قشرهای کم درآمد جامعه، که نسل دوم مهاجرین روستایی بودند، نتوانند در شهرها ساکن شوند و به همین علت به حاشیه شهرها کشانده شدند. بدیهی است این‌گونه مهاجرت‌ها در گسترش حاشیه‌نشینی و بالطبع بالا رفتن میزان بزهکاری تأثیر بسزایی داشته و خواهد داشت. بعد از جنگ و حتی در شرایط اقتصاد پس از جنگ (تولیدات پایین، عدم توازن عرضه و تقاضا، افزایش نقدینگی، تورم، هراس از سرمایه‌گذاری و تولید و از همه مهم‌تر افزایش سریع جمعیت یعنی افزایش بیش از ۲۰ میلیونی جمعیت ایران طی ۷ سال) هرچند با عمران و آبادانی شهرها، دولت تا حدودی بر اوضاع مسلط شد و اقتصاد رونق گرفت، اما بازگشت مهاجران آن‌گونه که انتظار می‌رفت، رخ نداد. می‌توان گفت «سیاست‌های غلط و نسنجیده دولت‌ها پیش از انقلاب، بستر و شرایط پدیده حاشیه‌نشینی را فراهم کرد. پس از انقلاب نیز به دلیل شرایط اقتصادی جنگ امکان جلوگیری از ادامه و گسترش آن در زمان مناسب فراهم نشد؛ بنابراین امروزه ما در ایران با این پدیده به عنوان معضلی جدی در توسعه پایدار مواجه هستیم». هرچند حاشیه‌نشینی در ایران در مقایسه با اکثر کشورهای در حال توسعه وضع مناسب‌تری دارد، اما این امر به هیچ وجه از اهمیت آن نمی‌کاهد و پژوهشگران در



ایران حاشیه‌نشینی را معضلی جدی می‌دانند که بی‌شک با ادامه روند فعلی به فاجعه‌ای ملی خواهد انجامید. جریان شهرنشینی سال‌های اخیر و حاشیه‌نشینی‌های رو به رشد ناشی از آن، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست‌محیطی فراوانی در کلان‌شهرهای ایران به وجود آورده است.

همان‌طور که اشاره شد، حاشیه‌نشینان اغلب مهاجرانی هستند که خصلت‌هایی اجتماعی دارند که با خصایص جامعه آن شهر سنخیت ندارد؛ بنابراین به دلیل عدم تطابق هنجاری و هم‌چنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه، نوعی انحراف نهادینه‌شده در رفتار بسیاری از آنها به چشم می‌خورد. در نتیجه آسیب‌های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم در یک کشور به حاشیه‌نشینان آن اختصاص می‌یابد.

– حاشیه‌نشینی، جرم و ناامنی

حاشیه‌نشین‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند. فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند. تا زمانی که این عوامل زمینه‌ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم‌خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه‌نشین با فرهنگ ویژه، روزها عازم مرکز شهر می‌شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دست‌فروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و... می‌پردازند و به این ترتیب به صورت زاید فعالیت‌های شهری در می‌آیند. این مشاغل غیرتخصصی و زاید خود به عنوان عاملی سوق‌دهنده به سوی جرم عمل می‌کنند. عموماً مشاهده می‌شود که اغلب افراد معتاد، مشاغل کاذب و غیر تخصصی دارند.

احساس ناامنی در جامعه، تنها به دلیل جرایم خشونت‌آمیز نیست، بلکه برخی ناهنجاری‌ها همچون اعتیاد، ولگردی، تكدی‌گری و سرقت، صرف‌نظر از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی‌اند حتی زمینه رواج گسترده جرایم را فراهم می‌آورند. به همین دلیل، حاشیه‌نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه است. در واقع حاشیه‌نشینی نوعی سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر یا کلان‌شهری اقامت دارند و از امکانات و خدماتی به مراتب کمتر و ناچیزتر از شهر مرکزی بهره‌مند هستند و از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با آنان تفاوت‌های آشکاری دارند؛ بنابراین تضمین

امنیت در حاشیه شهرها یا شهرهای حاشیه‌ای کلان‌شهرها دغدغه و عاملی مهم در سلامت اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی شهرها و به تبع آن کشور است. توسعه و پیشرفت حاشیه شهرها و همسان‌سازی معیشتی و رفاهی آنان با کلان‌شهرها از جمله اقداماتی است که می‌تواند موجب کاهش جرم و جنایت شود و امنیت آورد. بدیهی است بروز و گسترش جرم در شهرها علاوه بر ایجاد ناامنی، هرج و مرج و آشفتگی در زندگی شهروندان، سبب صرف هزینه‌های کلان، نیرو و زمان برای کشف جرایم، دستگیری مجرمین، رسیدگی‌های قضایی و... می‌شود؛ از این رو دانستن عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی (از جمله عوامل اقتصادی و اجتماعی) در ریشه‌یابی این معضل پرخطر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

جمعیت جوان، زیاد و متراکم، فقر، تزلزل شغلی، کم‌سواد، بی‌سواد و ترک تحصیل، شرارت، نزاع و درگیری‌ها، خشونت‌های مستمر، کمبود امکانات تفریحی، ضعف بهداشت، اعتیاد، فحشا، معاملات غیرقانونی، در حاشیه بودن، آشفتگی و افسردگی و... ممکن است حاشیه‌نشینان را به کجروی‌هایی سوق دهد و منطقه حاشیه‌نشین را به لحاظ امنیتی کاملاً فعال سازد. حاشیه‌نشینی به دو نظام فرهنگی (قبل از مهاجرت «روستایی» و بعد از مهاجرت «شهری») وابسته است که در عین حال به هیچ‌یک از این دو کاملاً متعلق و متمایل نیست. در حاشیه بودن، گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از کنترل اجتماعی شهری، نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود. این جوانان که مهم‌ترین قشر یک جامعه هستند، با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند. آنان باید تحصیل علم و معرفت کنند، هنر بیاموزند و مهارت پیدا کنند، اما سؤال این است که کارگزاران جامعه محیطی آنها چه کسانی هستند:

الف) خانواده حاشیه‌نشین: که بی‌سواد یا کم‌سواد، اسیر فقر فرهنگی یا سایر معضلات اجتماعی است.

ب) مدرسه حاشیه‌نشین: عموماً فاقد امکانات کافی است، چند شیفته است و معلمین غیرمتخصص، فقیر، گاه تبعیدی یا بی‌انگیزه دارد.

ج) گروه همسالان و همسایگان: همسالان عموماً خود به همان درد گرفتارند و همسایگان یکی از دیگری محروم‌ترند.

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، حاشیه‌نشینی یکی از عوامل مؤثر در بروز ناامنی



اجتماعی است که به دلیل ماهیت خاص خود با وارد آوردن محرک‌های تشدیدکننده ناامنی، موجب وقوع بی‌نظمی و برهم خوردن امنیت عمومی می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت امنیت و حاشیه‌نشینی رابطه‌ای معکوس دارند و با افزایش حاشیه‌نشینی امنیت اجتماعی بیشتر تهدید می‌شود. چنانچه حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهر تهران افزایش یابد، میزان آسیب‌پذیری امنیتی در سطح شهر و استان تهران نیز افزایش خواهد یافت.

۲. مبانی نظری و مطالعات تجربی

الف) مبانی نظری

نویسندگان یونان و روم قدیم در نوشته‌های خود از غیراخلاقی بودن و فساد شهرها سخن گفته و صداقت روستانشینان را ستایش کرده‌اند. ابن‌خلدون معتقد است جوامع شهری بیش از جوامع روستایی در معرض فساد و تباهی قرار دارند؛ زیرا در مناطق شهری مردم در بیگانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند در حالی که روستاییان کاملاً یکدیگر را می‌شناسند. هرچند امروزه مبانی نظری جامع و کاملی پیرامون حاشیه‌نشینی در دنیا مطرح شده است، اما سه نظریه دورکیم، فلیپ هاوزر و رابرت پارک از مهم‌ترین آنها هستند. دورکیم^۱ اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را که عبارت است از شرایط نابسامان و درهم‌ریخته‌ای که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می‌شوند، از بین می‌روند یا در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند، وارد جامعه‌شناسی کرد (دورکیم، ۱۳۶۹). بر اساس نظریه او می‌توان گرایش جوانان حاشیه‌نشین را به انجام رفتارهای کجروانه تبیین و بر اساس آن جامعه، اهداف و ارزش‌های مطلوبی را به شیوه‌های مختلف تبلیغ کرد. وی هم‌چنین معتقد است بین افزایش جرایم و افزایش جمعیت رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (سطلانی، ۱۳۷۴). هاوزر^۲ شهری شدن سریع و شتابان را مایه تشدید اصطکاک‌های اجتماعی و شخصی و مانع همسازی آرام مهاجرین روستایی با فرهنگ شهروندی می‌داند. این مهاجرین که سرنوشتی جز سرازیر شدن به حاشیه شهرها ندارند، با مشکلات عدیده آموزشی، بهداشتی و فرهنگی نیز مواجه می‌شوند. از نظر پارک^۳ وضعیت حاشیه‌نشینی وضعیتی است برزخ‌گونه که افراد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. وی با اشاره به برخوردهای نژادی و فرهنگی

1 . Durkheim

2 . Hauser

3 . Park

ناشی از مهاجرت، این پدیده را از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند. علاوه بر سه نظریه فوق، مارشال کلینارد نیز معتقد است نظریه‌های حاشیه‌نشینی به دو دسته عمده تقسیم می‌شود که شامل «تغییر در نحوه استفاده از زمین» و «کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری صحیح آن» است. وی در بیان نظریات خود در دسته نخست، با توجه به مطالعات ارنست بورکس و لوئیس ویرث که عمدتاً در خصوص شهرهای ایالات متحده آمریکا انجام گرفته، معتقد است در مراحل اولیه رشد شهر، این‌گونه مناطق محل سکونت طبقات بالاست و منطقه مسکونی مد روز است. با گسترش مناطق تجاری و صنعتی کارخانه‌ها، انبارها و مراکز عمده‌فروشی در همسایگی این محل رشد می‌کنند و آنها که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج حرکت می‌کنند و دور از مرکز شهر سکنی می‌گزینند. کارگران کم درآمد، که شامل گروه‌های قومی فقیر تازه‌وارد و گروه‌های نژادی هستند، به این مناطق می‌آیند و ساکنان این نواحی می‌شوند. چون مالکان اجاره کمی برای تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌کنند، شرایط نزول می‌یابد و به علت شلوغی زیاد و بی‌توجهی و تخریب توسط ساکنان، این مناطق به زاغه‌ها تبدیل می‌شوند.

ب) مطالعات تجربی و مطالعات خارجی

نویسندگان خارجی اغلب سعی در بیان چرایی پدیده حاشیه‌نشینی دارند و همان‌طور که اشاره شد، نظریه‌هایی در این خصوص عرضه کرده‌اند. در مجموع مطالعات تجربی در خصوص عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در دو قالب کلی تعریف می‌شود: الف) برخی پژوهشگران به مسئله حاشیه‌نشینی از دیدگاه «بوم‌شناسی شهری» نگریده و تلاش کرده‌اند با توجه به بافت فیزیکی شهر به توجیه مکانیزم پیدایی حاشیه‌نشینی بپردازند. کلینارد^۱ معتقد است: حاشیه‌نشینی مسئله و عارضه‌ای شهری و منشأ عمده بزهکاری و جرم است و اشکال مختلفی دارد. وی حاشیه‌نشینی را ناشی از تغییر در نحوه استفاده از زمین یا کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری صحیح آن می‌داند (ماهنامه مدیریت و برنامه شهری). مکینتاش^۲ نیز چهار عامل را در نظریه حاشیه‌نشینی مورد توجه قرار می‌دهد: محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، صاحب‌خانه و ساکنان آن. وی معتقد است با بهبود شرایط فیزیکی می‌توان به مسئله حاشیه‌نشینی پایان داد. به عقیده او، باید شرایط محیطی بهبود یابد،

1 . Clinard

2 . Macintosh



صاحب‌خانه‌ها و ساکنان بهتر از خانه‌ها نگهداری کنند و مقامات دولتی نظارت‌های تخصصی خویش را اعمال کنند.

ب) برخی دیگر «مهاجرت» را عامل اصلی حاشیه‌نشینی می‌دانند. در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبه‌رو هستند. شهر به عنوان یک متوقف‌کننده در مورد این افراد عمل می‌کند؛ زیرا بعضی از مهاجرین می‌توانند خود را با شهر تطبیق دهند، اما بعضی دیگر نمی‌توانند با شهر سازگار شوند و در نتیجه در اطراف شهر مناطق حاشیه‌نشینی تشکیل می‌دهند. در این نگاه، اولین عامل حاشیه‌نشینی «اقتصاد» و بعد از آن دلایل فرهنگی و اجتماعی است. تعداد افراد در حاشیه‌ها و خصوصیات آنها متفاوت است. اندازه آنها به حجم مهاجرین و محیط بستگی دارد. فرهنگ و وضع اجتماعی حاشیه‌نشینان با افراد شهری متفاوت است. عدم توازن و نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر خود باعث حاشیه‌نشینی می‌شود. تاوانچی و همکاران (۲۰۰۵) پژوهشی درباره سوءاستفاده از کودکان مهاجر و خطرهای آن برای سلامت روانی کودکان در منطقه حاشیه‌نشین پاتومتانی بانکوک تایلند انجام داده‌اند. هدف آنها اندازه‌گیری درجه شیوع اختلالات روانی عمومی، استفاده جسمی، استفاده و نوشیدن مشروبات الکلی و سوءاستفاده از کودکان در خانواده بوده است. ارزیابی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر بچه‌های مورد بررسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. سابقه سوءاستفاده زیاد بوده و همبستگی مستقلی با اختلالات روانی عمومی و استفاده جسمی داشته است. ۴۳ درصد کودکان مهاجرین مناطق روستایی، بیشتر مستقل، بالای ۱۵ سال و در جست‌وجوی کار به بانکوک مهاجرت کرده بودند. از نتایج دیگر تحقیق همبستگی مستقل مهاجرت تنها بین مردان با مسائل روانی است (Tawanchai and Prince).

حمدی در پژوهشی که در منطقه «ایلاوارا»ی استرالیا روی ۶۰۰ نفر از جوانان ۱۸-۱۱ ساله انجام داده است، نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان با قومیت و مهاجرت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن، جنس و نفوذ گروه‌های همسال رابطه معنی‌داری دارد.

ج) مطالعات داخلی

به‌رغم اینکه تاکنون در ایران در زمینه عوامل اقتصادی مؤثر بر حاشیه‌نشینی، در چارچوب نظریه‌ها و روش‌های تحلیل اقتصادی، پژوهش علمی ژرفی انجام نشده است ولی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :



شکویی (۱۳۵۵) در کتاب حاشیه‌نشینان شهری به بیان ویژگی‌های حاشیه‌نشینان و مشکلات آنان پرداخت (شکویی، ۱۳۵۵) و چند سال بعد نیز در مطالعه‌ای در ایران علل گسترش زورآبادها را افزایش درآمد نفت در سال‌های ۵۳ - ۵۲ و تشدید وابستگی‌ها و پیدایش اختلاف فاحش میان روستا و شهر در زمینه‌های مختلف - دانست (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۸).

پیران (۱۳۷۴) پس از بحث طولانی درباره شهرنشینی ناهمگون در ایران و تفاوت فرایند شهرنشینی در ایران با غرب، به مسئله مسکن ناهنجار یا حاشیه‌نشینی پرداخته و آن را یکی از مهم‌ترین مسائل برنامه‌ریزی شهری در کشورهای جهان سوم که ناشی از وابستگی دیرپای این کشورها به سرمایه‌داری جهانی، مهاجرت بی‌رویه و رشد غیرمنطقی مناطق شهری است، دانسته است (پیران، ۱۳۷۴).

شیخی (۱۳۸۰) فرایند شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های خودرو پیرامون کلان‌شهر تهران و نمونه موردی اسلام‌شهر، نسیم شهر و گلستان را مورد بررسی قرار داد و فرایند دگرگونی و مراحل رشد این سکونت‌گاه‌ها را بیان کرد (شیخی، ۱۳۸۰).

هم‌چنین ستوده معتقد است حاشیه‌نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمّل و اختلاف فاحش و گسترده طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ و گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف مخارج‌شان را نمی‌دهد، به منظور برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری - ولو غیرقانونی - بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کجروی‌های اجتماعی به سرعت رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می‌یابد (Sotudeh, 1977).

رشیدی در بررسی جنبه‌های رفتاری حاشیه‌نشینان کوی مرادیان رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، به بررسی محله‌ای حاشیه‌نشین از شهر رشت به نام کوی مرادیان پرداخته و از چارچوب نظری مورد استفاده از نظرات «پارک» از مفهوم انسان حاشیه‌نشین بهره جسته و نتیجه گرفته است که بین برخی متغیرهای اجتماعی و میزان هم‌نوایی ارتباط معنی‌داری وجود دارد (رشیدی، ابادری و چاوشیان، ۱۳۷۸). مافی (۱۳۷۸) در پژوهشی با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با فرض اینکه عامل اقتصادی نقشی تعیین‌کننده در ارتکاب جرم و جنایت دارد، به بررسی رابطه مهاجرت با بزهکاری در شهر وین می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از میان مهاجران خارجی افرادی که درآمد پایین‌تری دارند، بیشتر مرتکب جرم و جنایت



شده‌اند؛ به نحوی که بیشتر بزهکاران خارجی در محلاتی زندگی می‌کنند که ساختمان‌هایی از رونق افتاده و ارزان قیمت دارند (مافی، ۱۳۷۸).

درباره سایر تحقیقات و مطالعات داخلی می‌توان به مطالعاتی مانند مطالعه نباتی (۱۳۵۷)، شکوئی (۱۳۶۵)، زاهدانی (۱۳۸۴)، حسین‌زاده (۱۳۷۱) و احمدیان (۱۳۷۱) اشاره کرد.

با توجه به آنچه در مبانی نظری و مطالعات تجربی این پژوهش بیان شد، می‌توان متغیرهایی را که روی اقتصاد خانوار یا مهاجرت آنها از شهرهای کوچک و روستاها به کلان‌شهرها اثرگذار است، مورد بررسی قرار داد.

۳. روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

الف) مدل اقتصادسنجی

الگوهای اقتصادسنجی مناسب برای این نوع برآوردها شامل الگوی لاجیت و الگوی پروبیت است. دو الگوی یادشده که از توابع توزیع جمعی لاجستیک و نرمال به منظور انتقال مقادیر پیش‌بینی‌شده توسط الگوی رگرسیون خطی به درصد احتمال استفاده می‌کنند، نتایج بسیار مشابهی در اختیار می‌گذارند. در این مدل متغیر Y^* با یک مدل رگرسیونی به صورت $Y^* = \beta' X_i + u_i$ تعریف می‌شود و در جایی که Y کیفی است، به صورت $Y = 1$ if $Y_i^* > 0$ و $Y = 0$ Otherwise تعریف می‌شود. در این فرمول $\beta' X_i$ به صورت یک مدل احتمال خطی $E(y_i | X_i)$ نیست بلکه به صورت $E(y_i^* | X_i)$ است. از طرفی، با توجه به روابط فوق می‌توان نتیجه‌گیری کرد:

$$\begin{aligned} \text{Prob}(Y_i=1) &= \text{prob}(u_i > -\beta' X_i) \\ &= 1 - f(\beta' X_i) \end{aligned}$$

که در آن F تابع توزیع تجمعی U است. در این روابط می‌توان تابع راست‌نمایی را از رابطه زیر به دست آورد:

$$\begin{aligned} L &= \pi f(-\beta' X_i) \pi [1 - f(\beta' X_i)] \\ Y_i &= 1 \quad Y_i = 0 \end{aligned}$$

این فرم تبعی برای F به فرضیات داده‌شده به U_i وابسته است. توزیع تجمعی U_i لاجستیک است و مدل لاجیت به فرم زیر خواهد بود:

$$\begin{aligned} f(-\beta' X_i) &= \exp(-\beta' X_i) / (1 + \exp(-\beta' X_i)) = 1 / (1 + \exp(\beta' X_i)) \\ 1 - f(\beta' X_i) &= \exp(\beta' X_i) / (1 + \exp(\beta' X_i)) \end{aligned}$$

در این وضعیت یک فرم تقریبی برای f وجود دارد و فرض بر این است که u_1 دارای توزیع $N(0, \delta^2)$ است.

$$f(-\beta' X_1) = \int_{-\infty}^{\beta x_1 / \delta} 1/(2\pi)^{1/2} \exp(-t^2/2) dt$$

تابع راست‌نمایی که با این روش برآورد می‌شود تنها β/δ را تخمین می‌زند و قادر به برآورد δ و β به طور مجزا نیست؛ بنابراین در شروع، فرض بر $\delta = 1$ است.

در این مقاله برای برآورد مدل به اطلاعات اقتصادی خانوارها در تهران و شهرهای اطراف آن نیاز است.

ب) محاسبه آثار نهایی

آثار نهایی احتمال حاشیه‌نشینی $P(y_1, y_2, \mathbf{x}_1, \mathbf{x}_2)$ به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$d(y_1, y_2, \mathbf{x}_1, \mathbf{x}_2) = \partial P(\text{work} = y_1, \text{school} = y_2 | \mathbf{x}_1, \mathbf{x}_2) / \partial w$$

ج) روش نمونه‌گیری

حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری از طریق پرسش‌نامه و به صورت میدانی در کل سطح استان تهران و با توجه به تراکم جمعیت در آن محدوده است.

د) محیط تحقیق (جامعه آماری) و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش بنابر نوع مطالعه بین تمام خانواده‌های ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (به عنوان متغیر صفر) و ساکنان شهرهای حاشیه تهران (به عنوان متغیر یک) است. شهرهای حاشیه تهران در ۴ منطقه شهرستان‌های شهریار، رباط کریم، قدس و ملارد است.



جدول ۱- چگونگی توزیع پرسش نامه به صورت میدانی

شهرستان شهریار	نمونه		شهرستان رباط کریم	نمونه	شهرستان قدس	نمونه	شهرستان ملارد	نمونه
	۴۶	۱						
باغستان	۴۶	۱	رباط کریم	۴۶	قدس	۴۶	صفا دشت	۴۶
شاهدشهر	۴۶	۲	صالح آباد	۴۶			ملارد	۴۶
صبا شهر	۴۶	۳						
فردوسه	۴۶	۴						
وحیدیه	۴۶	۵						
۴۶۰ نمونه خانوار در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران								

۴. توصیف داده‌ها و یافته‌های مدل اقتصادسنجی

الف) توصیف داده‌ها

- اندازه خانوار

در مطالعات میدانی انجام شده روی ۴۶۰ نمونه خانوار در شهر تهران و نیز ۴۶۰ نمونه خانوار در شهرهای حاشیه تهران، میانگین اندازه خانوار به شرح زیر مشاهده شد؛ بنابراین افزایش اندازه خانواده می‌تواند یکی از عوامل سوق دادن خانواده‌ها به سمت حاشیه شهر باشد. همان‌طور که از جدول ۲ و نمودار ۱ برمی‌آید، افرادی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند در سطح کلانشهر تهران کمی بیش از سه نفر و در شهرهای حاشیه‌ای بیش از چهار نفرند.

جدول ۲- بررسی متوسط اندازه خانوار در نمونه مطالعه شده

متوسط اندازه خانوار در تهران	متوسط اندازه خانوار در شهرهای حاشیه تهران
۳,۴ نفر	۴,۲ نفر

- ملیت خانواده‌ها

در بخش دیگری از پرسش‌نامه توزیع شده در سطح کلانشهر تهران سعی شد ملیت خانواده‌های مورد مطالعه بررسی و نگاهی توصیفی در این خصوص ایجاد شود که نتایج در نمودار و جدول صفحه بعد نشان داده شده است.



جدول ۳- بررسی وضعیت ملیت خانوارهای مورد مطالعه

درصد خانوارهای غیرایرانی به کل خانوارهای مورد مطالعه در شهرهای حاشیه‌ای تهران	درصد خانوارهای غیرایرانی به کل خانوارهای مورد مطالعه در شهر تهران
۱,۵	۰,۴

در نمونه مورد مطالعه در سطح کلانشهر تهران در خصوص متغیر ملیت خانوار مشاهده شد از میان ۴۶۰ خانوار مورد بررسی در مناطق ۲۲گانه تهران تنها ۲ خانواره ملیت ایرانی نداشتند؛ بنابراین درصد خانوارهای غیرایرانی موجود چیزی حدود ۰/۴ درصد است. وضعیت این متغیر در شهرهای حاشیه‌ای تهران کمی متفاوت است؛ زیرا حضور خانوارهای غیرایرانی در این داده‌ها ۷ خانوار (میان ۴۶۰ خانوار) است که نشان می‌دهد بیش از ۱/۵ درصد خانوارهای ساکن در شهرهای حاشیه تهران ملیتی غیرایرانی دارند.

- وضعیت بومی و مهاجر بودن خانواده‌ها

در این قسمت به بررسی وضعیت خانواده‌های بومی و مهاجر در سطح استان تهران می‌پردازیم تا شمایی کلی از وضعیت خانواده‌های مورد مطالعه به دست آوریم تا بتوانیم با استفاده از مدل ریاضی بررسی کنیم که آیا مهاجرت دلیلی برای حاشیه‌نشینی به حساب می‌آید یا خیر.

در این بخش خانواده‌ها در ۶ گروه کلی دسته‌بندی شده‌اند: خانواده‌هایی که بومی محل سکونت خود هستند؛ یعنی سرپرست (یا پدر سرپرست) خانوار متولد محل سکونت فعلی خویش است. در غیر این صورت مهاجر است که این مهاجرت در طول سالیان مختلف رخ داده است. ما مهاجرت در پنجاه سال اخیر را به تفکیک دهه از یکدیگر متمایز کردیم تا مشخص شود اوج مهاجرت به تهران یا شهرهای حاشیه‌ای تهران با چه روندی شکل گرفته است.



جدول ۴- بررسی وضعیت سکونت افراد مورد مطالعه در محل زندگی شان

مدت زمان اقامت		شهرهای حاشیه تهران (به درصد)	شهر تهران (به درصد)
۱	سرپرست خانوار متولد محل سکونت	۷	۲۵
۲	مهاجر در ۴۰ تا ۵۰ سال قبل	۸	۱۱
۳	مهاجر در ۳۰ تا ۴۰ سال قبل	۱۲	۱۵
۴	مهاجر در ۲۰ تا ۳۰ سال قبل	۳۰	۱۲
۵	مهاجر در ۱۰ تا ۲۰ سال قبل	۲۲	۱۸
۶	مهاجر کمتر از ۱۰ سال	۲۱	۱۸

۸- مالکیت ملک محل سکونت

با استناد به داده‌های به دست آمده مشاهده شده است خانواده‌های مالک در شهر تهران تنها ۳۴ درصد هستند، اما این رقم برای شهرهای حاشیه تهران بیش از ۵۳ درصد است. این نتیجه می‌تواند بیانگر آن باشد که یکی از دلایل حاشیه‌نشینی تمایل به خانه‌دار شدن است.

جدول ۵- بررسی متوسط درآمد خانواده‌ها در نمونه مطالعه‌شده

متوسط درآمد خانواده‌ها در شهرهای حاشیه‌ای	متوسط درآمد خانواده‌ها در تهران
۶۳۷۰۰۰۰ ریال	۱۰۲۷۰۰۰۰ ریال

جدول ۶- بررسی وضعیت ملک محل سکونت خانواده‌های مورد مطالعه

درصد خانواده‌های مالک محل سکونت به کل خانواده‌های مورد مطالعه در شهر تهران	درصد خانواده‌های مالک محل سکونت به کل خانواده‌های مورد مطالعه در شهرهای حاشیه تهران
۵۳	۳۴

جدول ۷- بررسی متوسط زیربنای محل سکونت خانواده‌ها در نمونه مطالعه‌شده

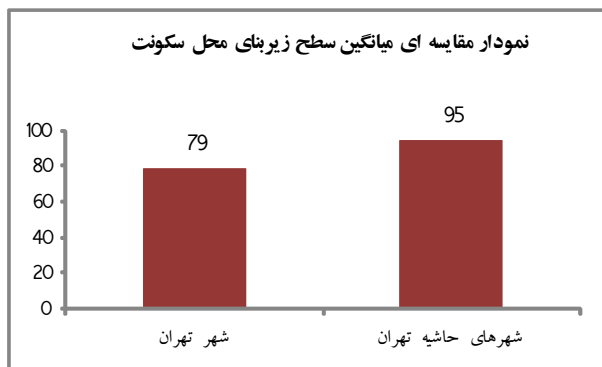
متوسط زیربنای محل سکونت خانواده‌ها در شهرهای حاشیه‌ای	متوسط زیربنای محل سکونت خانواده‌ها در تهران
۹۵ مترمربع	۷۹ مترمربع

۹- بررسی وضعیت سطح زیربنای محل سکونت

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، متوسط سطح زیربنای محل سکونت خانواده‌ها در تهران و شهرهای حاشیه آن به ترتیب ۷۹ و ۹۵ متر است؛ بنابراین



می‌توان دریافت تمایل به زندگی در خانواده‌ای بزرگ‌تر می‌تواند یک خانواده را به زندگی در حاشیه شهر تهران بکشاند.



- بررسی متوسط درآمد خانواده‌ها

با بررسی آمار اخذشده در نمونه مطالعاتی مشاهده شد که متوسط درآمد خانواده‌ها^۱ در شهر تهران ۱۰ میلیون و ۲۷۰ هزار ریال است؛ در حالی که این متغیر برای خانوارهای حاشیه‌نشین حدود ۶ میلیون و ۳۷۰ هزار ریال است؛ بنابراین پایین بودن درآمد نیز می‌تواند به عنوان یک متغیر در مدل ریاضی مد نظر قرار گیرد زیرا این‌گونه به نظر می‌رسد که پایین بودن درآمد از جمله عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی است.

- بررسی متوسط قیمت مسکن

در پرسشنامه‌های توزیع‌شده علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات خانوار، به بررسی قیمت مسکن نیز پرداختیم و در هر منطقه برای مسکن یک شاخص قیمت تعریف کردیم. در نهایت با بررسی وضعیت قیمت در مناطق بیست و دوگانه تهران و نیز مناطق ده‌گانه حاشیه تهران دریافتیم که متوسط قیمت مسکن در شهر تهران در تمام سطوح بالاتر از قیمت مسکن در حاشیه تهران است. این عامل به عنوان متغیری مهم و اثرگذار بر حاشیه‌نشینی مطرح می‌شود و به حضور این متغیر در مدل نیازی نیست، زیرا این متغیر برای تمامی سطوح در شهر تهران بالاتر از قیمت مسکن در شهرهای حاشیه‌ای آن است.



۱. نکته: این درآمد متوسط درآمد خانوار است نه متوسط درآمد یک فرد.

(ب) یافته‌های مدل اقتصادسنجی

- متغیرهای مورد بررسی
- اندازه خانوار؛
- مجموع درآمدهای خانواده؛
- ملیت خانواده؛
- بومی یا مهاجر بودن خانواده؛
- مالکیت خانه محل سکونت؛
- سطح زیربنای محل زندگی خانواده؛
- حضور اعضای بیکار و سرگردان در خانواده.

- نتایج مدل پروبیت

خروجی نهایی نرم‌افزار استاتا^۱ برای ارزیابی متغیرهای فوق در مدل پروبیت مطابق جدول ۷ است. مشاهده می‌شود جز متغیر ملیت که در مدل معنی‌دار نبود و حذف شد، سایر متغیرها معنی‌دار و بر متغیر حاشیه‌نشینی اثرگذارند.

جدول ۸- مربوط به نتایج مدل پروبیت

CoEff	St. Error	متغیرها
۰,۲۹۳۰	۰,۰۳۹۹	اندازه خانوار
- ۰,۱۶۸۱	۰,۰۱۳۴	مجموع درآمدهای خانواده
- ۰,۱۸۹۵	۰,۰۲۹۴	بومی یا مهاجر بودن خانواده
۰,۵۵۱۶	۰,۱۰۰۱	مالکیت خانه محل سکونت
۰,۱۷۰	۰,۰۰۲۴	سطح زیربنای محل زندگی خانواده
۰,۱۳۶۵	۰,۰۶۱۱	حضور اعضای بیکار در خانواده

همان‌طور که مشاهده می‌شود، افزایش اندازه خانواده، کاهش درآمدهای خانواده، مهاجرت، افزایش تمایل به مالکیت ملک محل سکونت، زندگی در مسکن بزرگ‌تر و نیز افزایش حضور افراد بیکار در خانواده بر حاشیه‌نشینی در استان تهران مؤثرند. آثار نهایی این متغیرها نیز به شرح زیر است:

جدول ۹- آثار نهایی نتایج مدل پروبیت

Dy/dx	St. Error	متغیرها
۰,۱۱۶۸	۰,۰۱۵۹	اندازه خانوار
- ۰,۰۶۷۰	۰,۰۰۵۳	مجموع درآمدهای خانواده
- ۰,۰۷۵۶	۰,۰۱۱۷	بومی یا مهاجر بودن خانواده
۰,۲۱۷۲	۰,۰۳۸۴	مالکیت خانه محل سکونت
۰,۰۰۶۸	۰,۰۰۱	سطح زیربنای محل زندگی خانواده
۰,۰۵۴۴	۰,۰۲۴۴	حضور اعضای بیکار در خانواده

نتیجه‌گیری

با استناد به آنچه مشاهده شد می‌توان گفت اندازه خانوار، مالکیت خانه محل سکونت، سطح زیربنای محل زندگی خانواده و حضور اعضای بیکار و سرگردان در خانواده با حاشیه‌نشینی رابطه‌ای مثبت دارد و با افزایش هر یک از این متغیرها حاشیه‌نشینی نیز افزایش می‌یابد.

مجموع درآمدهای خانواده و بومی بودن خانواده‌ها با حاشیه‌نشینی رابطه‌ای عکس دارد؛ یعنی با افزایش این متغیرها حاشیه‌نشینی کاهش می‌یابد. در واقع افزایش این متغیرها عوامل بازدارنده حاشیه‌نشینی خواهند بود.

ملیت خانواده‌ها (ایرانی بودن یا غیرایرانی بودن خانواده‌ها) بر حاشیه‌نشینی یا شهرنشینی شدن خانواده‌ها اثرگذار نیست.

با توجه به موارد یادشده می‌توان گفت با کنترل جمعیت می‌توان اندازه خانواده‌ها را کوچک‌تر کرد که در بلندمدت با اثرگذاری روی متغیر اندازه خانوار سبب کاهش حاشیه‌نشینی می‌شود.

دولت می‌تواند با خصوصی‌سازی و توسعه اشتغال ضمن جلوگیری از بسیاری از آثار سوء بیکاری در بلندمدت با کاهش متغیر حضور تعداد اعضای بیکار در یک خانواده، حاشیه‌نشینی را هم کاهش دهد.

اقدام برای ایجاد شغل مناسب و کارا برای افراد می‌تواند از مهاجرت آنها جلوگیری کند که این امر اثر مجددی بر کاهش حاشیه‌نشینی در بلندمدت خواهد داشت. بدیهی است اگر مهاجرت کنترل شود، تقاضا برای زمین و مسکن در تهران کنترل می‌شود و می‌توان قیمت مسکن در این شهر را ساماندهی کرد که در این صورت اگر مهاجرت



نیز (با نرخ به مراتب نازل‌تر) رخ دهد، دیگر قیمت شتابان مسکن در تهران مهاجرین را به سمت حاشیه سوق نخواهد داد بلکه (با احتمال زیاد) آنان را شهرنشین خواهد کرد. هم‌چنین اعطای تسهیلات مناسب مسکن و احداث زمین در مشارکت برای ساخت و سیاست‌هایی از این دست خود عاملی برای کنترل قیمت مسکن خواهد بود. این تسهیلات در شهرستان‌ها نیز می‌تواند اجرایی شود؛ زیرا این سیاست، خانواده‌ها را در محل سکونت خود پای‌بند می‌کند و مانع مهاجرت آنها می‌شود. بنابراین پیشگیری از مهاجرت خود یکی از عوامل مهم در راستای کنترل حاشیه‌نشینی خواهد بود.

منابع فارسی

- احمدیان، محمد علی (۱۳۷۱)، «حاشیه‌نشینی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- اعتماد (۱۳۸۱)، ش ۱۹۰.
- پرویز، پیران (۱۳۷۴)، «آلونک‌نشینی در ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۹۱-۹۶.
- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۲)، «اسکان غیررسمی در جهان»، ماهنامه شهرداری‌ها، س ۵، ش ۵۰.
- حسین زاده، دلیر کریم (۱۳۷۱)، طرح تحقیقی حاشیه‌نشینان تبریز، مؤسسه تحقیقات شهری وابسته به کمیته علوم انسانی جهاد دانشگاهی تبریز.
- دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، علل گسترش زورآبادها.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹)، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.
- رشیدی، رکن‌الدین، یوسف اباذری و حسن چاوشیان (۱۳۷۸)، بررسی جنبه‌های رفتاری حاشیه‌نشینان کوی مرادیان رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- ربیسی دانا، فریبرز (۱۳۸۳)، «مباحث مطرح در جرایم مالی»، مجموعه مقالات، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۸۴)، حاشیه‌نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴)، «اثرات جمعیت بر نابهنجاری اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۳۹.
- شکوئی، حسین (۱۳۵۵)، حاشیه‌نشینان شهری، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۵)، مجله رشد آموزش جغرافیا، تهران، ش ۵.



- شیخی، م. (۱۳۸۰)، فرایند شکل‌گیری و دگرگونی سکونت‌گاه‌های خودرو پیرامون کلان‌شهر تهران، پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران..
- مافی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، «جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین مشهد)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۵۲ و ۵۳.
- ماهنامه پژوهشی، تحقیقی، آموزشی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ش ۱۰، ص ۴۸
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.
- نباتی، قمر تاج (۱۳۵۷)، مطالعه وضع مسکن حاشیه‌نشینان، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه شیراز.

منابع لاتین

- Loftin, C., and Parker, R. N. (1985), "An Errors-in-Variable Model of The Effect of Poverty on Urban Homicide Rates", *Criminology*, 23:269–287.
- Messner, S.F. (1982), "Poverty, Inequality, and The Urban Homicide Rate", *Criminology*, 20:103–114.
- Rabani, R., Arizi, F., Varesi, H. & Hoseini, M. (1385), "An Investigation of The Influencing Factors I Suburban Settlement and Its Social Consequences in The City of Ahwaz", *Geography and Development*, 4th Year, Vol, 7, Spring and Summer.
- "Sectional Population-based Survey in Pathumthani, Thailand", France, International Population Conference Tours.
- Sotudeh, H (1997), *Social Pathology: Deviations Sociology*, Tehran: Avaye Noor.
- Tawanchai, Jirapramukpitak, Martin J. Prince, Trudy Harpham, "Rural to Urban Migration, Childhood Abuse and Risk for Mental Health Problems.
- Williams, K. R. (1984), "Economic Sources of Homicide: Resituating The Effects of Poverty and Inequality", *American Sociological Review* 49, 283–289.

